

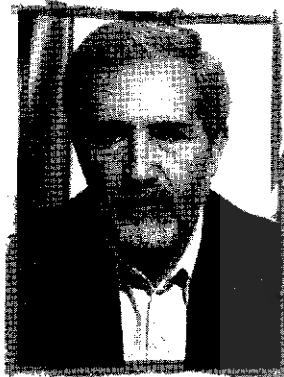
رمانهای بزرگ انقلاب اسلامی در راه است

گفتگو

علی الله سلیمی

گفت و گو با امیر حسین فردی

داستان نویسنده و مدیر کارگاه قصه و رمان حوزه هنری



تعدادی از نویسندگان و مسئولان دفتر ادبی حوزه هنری، تأسیس و آغاز به کار کرده است. در سال ۱۳۷۴ مسئولیت این کارگاه به آقای مجتبی رحماندوست محول شد. با تجاربی که ایشان از جریان حمایت از رمان در بنیاد جانبازان داشتند و اختیاراتی که از طرف سرپرستی حوزه به ایشان داده شد، فعالیت کارگاه، شتاب بیشتری گرفت و نویسندگان فراوانی دست همکاری به سوی آن دراز کردند. حاصل این همکاری و همدلی، تولید تعدادی آثار خوب، و جرئت یافتن بعضی از نویسندگان گمنام و جوان در قدم گذاشتن به وادی رمان و داستان بود. مهم‌تر از همه، به تدریج، کارگاه رمان حوزه هنری محل گفت‌وگوهای دوستانه و تبادل تجربه‌های داستان‌نویسان شد.

حضور شما در کارگاه قصه و رمان به چه زمانی برمی‌گردد؟
من از ابتدای شکل‌گیری کارگاه در آنجا نبودم. حضور من در مرحله بعدی، به عنوان کارشناس بود. فکر می‌کنم از سال ۱۳۷۶ به عنوان کارشناس همکاری خودم را با کارگاه شروع کردم. یاد می‌آید آن زمانی که من به عنوان کارشناس با این مرکز همکاری خود را شروع کردم، نظم و انضباط خوبی بر آنجا حاکم بود.

همین امر موجب دلگرمی من هم شده بود. کارها را می‌فرستادند، یک فرصت مناسب می‌دادند که بخوانیم و برای هر یک از کارها جلسه‌ای در کارگاه تشکیل می‌شد که کارشناسان در آن حاضر می‌شدند و پیرامون کار بحث و گفت‌وگو می‌شد. اینکه آیا این اثر تصویب شود یا نه، همه صحبتها با دلیل و استدلال بود. گروه کارشناسی خوبی بود. کارگاه از همان روز اول، یک جریان متعادلی بود. فکر می‌کنم در زمینه ادبیات داستانی بزرگسال، یک نقطه عطفی بود در فعالیتهای حوزه هنری.

امیر حسین فردی، متولد پنجم مهرماه ۱۳۲۸، در روستای «قره تپه»، واقع در دامنه جنوبی کوه سیلان است. بخشهایی از دوران کودکی و نوجوانی خود را در دامنه‌های سرسبز سیلان سپری کرده است. سالهای طلایی‌ای که هنوز هم برای او یادآور روزهای باشکوه زندگی در دل طبیعت است.

او زمانی که قدم در کوچه پس‌کوچه‌های پایتخت گذاشت، علاوه بر آشنایی با مظاهر تمدن شهری، با دلمشغولی دیگری هم آشنا شد که در سالهای بعد با زندگی او گره خورد. آن هوای تازه، مقوله‌ای به نام «ادبیات» بود که تا امروز هم ذهن و زبان این نویسنده را به خود معطوف کرده است.

از میان آثار قابل توجه فردی، می‌توان به «آشیانه در مه»، «سیاه چمن»، «یک دنیا پروانه» و «کوچک جنگلی» اشاره کرد.

حضور فعال در عرصه‌های اجرایی حوزه ادبیات - به خصوص ادبیات داستانی - در این سالها، از او چهره‌ای سخت‌کوش و مقاوم ساخته است.

در کارنامه فعالیت‌های اجرایی امیر حسین فردی، می‌توان به چند بار داوری برای کتاب سال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، کتاب سال شهید حبیب غنی‌پور، جشنواره ادبیات داستانی بسیج، جشنواره راهیان نور، انجمن قلم ایران، جشنواره قصه‌های قرآنی و... اشاره کرد.

وی همچنین از مؤسسين کتابخانه مسجد جوادالائمه(ع) در سال ۱۳۵۳ و تشکیل شورای نویسندگان آن مسجد است.

در حوزه مسئولیتهای اجرایی وی هم، می‌توان به عضویت در حوزه اندیشه و هنر اسلامی (حوزه هنری)، سردبیری و مدیر مسئولی «کیهان بچه‌ها» (به مدت ۲۴ سال) - این مسئولیت همچنان ادامه دارد - مؤسس و مدیر مسئول کیهان علمی، عضویت در شورای داستان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، عضویت در شورای داستان بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، مسئولیت جشنواره انتخاب کتاب سال شهید حبیب غنی‌پور، مسئولیت شورای ادبیات داستانی نیروی مقاومت بسیج و مدیریت کارگاه قصه حوزه هنری، اشاره کرد.

برای آشنایی با فعالیتهای کارگاه قصه و رمان حوزه هنری، بای صحبت امیر حسین فردی نشستیم. باهم این گفت‌وگو را مرور می‌کنیم:

در ابتدا، از شکل‌گیری کارگاه قصه و رمان بگویید؛ اینکه نقطه شروع آن به چه سالی بازمی‌گردد و اصلاً راه‌اندازی این کارگاه به چه شکلی بوده است؟

کارگاه قصه و رمان حوزه هنری، در شهریور ماه ۱۳۷۳ با حضور

فعالیت شما در مقام مدیر کارگاه قصه و رمان از چه سالی آغاز شد؟

از سال ۱۳۸۱، در این سمت، من کار را دنبال کردم.

عمده اهداف کارگاه در اساسنامه آن چگونه توضیح داده شده است؟

این کارگاه به دلیل اهمیت قصه و رمان در رشد فرهنگ و ادبیات کشور و به منظور توجه نویسندگان به موضوعات ارزشی جامعه و رشد کمی و کیفی جریان رمان‌نویسی به وجود آمد. حوزه هنری در نظر دارد به تدریج این کارگاه را به کانون فعال تولید رمان و داستان‌بند در ایران تبدیل کند. عمده‌ترین اهداف این کارگاه به این شرح است: توجه جدی به مقوله رمان و رمان‌نویسی و به حرکت درآوردن و تقویت جریان رمان‌نویسی فارسی در مقابل هجوم سیل آسای رمانهای ترجمه‌ای و سهل‌الوصول خارجی؛ حمایت ویژه از نویسندگان متعدد کشور؛ تدوین و اجرای شیوه کارگاهی رمان‌نویسی؛ ارائه مشاوره‌های تحقیقی، ادبی، هنری به نویسندگان.

نقد آثار رسیده به کارگاه، از اساسی‌ترین اهداف کارگاه در خصوص شیوه نگارش رمان است. در شرایط معمولی، پس از چاپ هر کتاب داستان، منتقدان و صاحب‌نظران ادبیات، اثر را به نقد و بررسی می‌گذارند، اما هدف عمده کارگاه قصه و رمان این است که اثر را قبل از چاپ به محک نقد بگذارد.

بعد از حضور شما به عنوان مدیر کارگاه قصه و رمان چه تغییراتی در روند اجرای آن صورت گرفت؟

به تغییرات اساسی‌ای نیاز نبود، ولی ما سعی کردیم از تجارب گذشته استفاده کنیم، تا وضعیت مطلوب‌تری حاصل شود.

عملکرد کارگاه در بعضی امور موفق بوده و در برخی جاها دستاوردی نداشته است. ما، ارزیابی‌ای از گذشته انجام دادیم و این احساس به ما دست داد که باید سیاستهای جدیدی را در پیش بگیریم.

نخست اینکه، به هیچ وجه، کارهای متوسط را نپذیریم. و در مجموع، تصویب کار را نسبت به گذشته سخت‌تر بگیریم. به عبارتی، کیفیت را به کمیّت ترجیح دادیم. در این راستا، فعالیت بخش «مفخر ملی و مذهبی» را متوقف کردیم. این بخش در آن زمان، یکی از فعالیتهای عمده کارگاه قصه و رمان بود. البته تعداد قابل توجهی اثر در این بخش چاپ شد. اما کار چشمگیر و با کیفیتی در میان آنها دیده نمی‌شد.

کارها عموماً متوسط بود. آثار برجسته به آن معنا در میانشان نبود. این آثار سفارشی بود. قرارداد را می‌بستند، نویسنده می‌نشست می‌نوشت. در حال حاضر هم تعداد قابل توجهی از قراردادها، بلا تکلیف مانده است. یعنی قرارداد بسته شده، وجهی توسط نویسنده دریافت شده. اما اثری نوشته نشده و یا اگر هم نوشته شده باشد، تحویل داده نشده، یا این حال، ما این بخش را متوقف کردیم.

بخش دیگری که در ادامه سیاستهای جدید کارگاه متوقف شد، قسمت تلخیص رمانهای معروف خارجی بود. از جمله رمانهای: «دن کیشوت»، «دن آرام»، «جان شیفته»، «جنگ و صلح» و... این آثار توسط برخی از نویسندگان تلخیص شده بود. من با چاپ آنها مخالفت کردم. چون هم به لحاظ حقوقی، هم به لحاظ اخلاقی، و حتی به

لحاظ فنی و حرفه‌ای دیدم هیچ مناسبت و سنخیتی وجود ندارد که ما به میل خود، آثار یک نویسنده خارجی را تلخیص کنیم. آن هم در حالی که این اثر، هم مترجم مشخصی دارد و هم ناشر معین. به نظر، طرح شتاب‌زده‌ای می‌آمد که من از روز اول با آن مخالفت کردم. هنوز هم فکر می‌کنم در انتشارات سوره مهر، این کارها موجود است. البته هیچ کدام فعلاً چاپ نشده است.

شروع کار شما در مسئولیت جدید (مدیریت کارگاه قصه و رمان) با چاپ چه نوع آثاری همراه شد؟

با توجه به سیاست‌کاری ما در دوره جدید - که عدم استقبال از آثار متوسط بود - در ابتدا، تعداد کتابهایی را که در کارگاه به چاپ رساندیم محدود بود. اما به مرور، کار، در این کارگاه نظم و شتاب بیشتری گرفت. ما آثاری مانند مجموعه داستان «سه دختر گل فروش» نوشته مجید قیصری و رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» نوشته احمد دهقان را به دست چاپ سپردیم که هر دوی آنها به نوعی تجدید چاپی بود. البته پیش از آن، ناشران دیگری به غیر از حوزه هنری آنها را چاپ کرده بودند. در ادامه، از آثار قابل توجه، انتشار دو مجموعه داستان گردآوری بود که مجموعه اول به همت فیروز زوزی جلالی صورت گرفت و مجموعه دوم را مصطفی مستور گردآوری کرد. این دو کتاب منتشر شده است و کتاب سوم از این مجموعه، توسط مجید قیصری در حال گردآوری است. به این ترتیب سالی یک کتاب به این شکل از نویسندگان حرفه‌ای و شناخته شده گردآوری و چاپ خواهد شد. همچنین کتابی با این شکل برای نویسندگان جوان با استعداد و نو قلم در دست چاپ داریم که آقای محمدمهدی شجاعی کار گردآوری و انتخاب آن را انجام داده است. این کار هم ادامه خواهد داشت.

در حال حاضر، چه نوع طرحهایی را در کارگاه قصه و رمان در دست مطالعه و یا انجام دارید؟

از طرحهای در حال انجام در کارگاه قصه و رمان، انتشار کتابهای داستانی در قطع پالتویی است که از داستانهای کوتاه تشکیل شده‌اند. سیاست کاری ما در این طرح، تولید و انتشار کتابهای داستانی ارزان قیمت است که به سهولت به دست مخاطب برسد. این کتابها، عموماً کمتر از ۱۰۰ صفحه هستند. مسئولیت این بخش را به شهرام شفیع‌ی سپرده‌ایم که در حال انجام آن هستند.

اما، مهمترین کاری که بنده از امسال شروع کرده‌ام و مقداری هم آن را پیش برده‌ام، بحث ادبیات داستانی منتسب به انقلاب اسلامی است. این بحث از آن زاویه قابل توجه است که وقتی ما عملکرد نویسندگان را در سالهای گذشته ارزیابی می‌کنیم، می‌بینیم متأسفانه در این زمینه (انقلاب اسلامی) واقعا کم کار شده است. ادبیات داستانی دفاع مقدس، در این زمینه تقریباً پرنرنگ‌تر است. ولی راجع به انقلاب اسلامی، حق مطلب ادا نشده است. به نظرم وقوع جنگ تحمیلی به خاطر انقلاب اسلامی بود. چون اصل قضیه همان انقلاب اسلامی بود. و جنگ را علیه ما شروع کردند تا آن قضیه (انقلاب اسلامی) را شکست بدهند. بنابراین، من فکر می‌کنم جنگ، خود، معلول بود. علت اصلی، انقلاب اسلامی بود که ما متأسفانه آن را فراموش کرده‌ایم. سرمایه‌گذاری

قابل توجهی در بحث دفاع مقدس کرده‌ایم - که البته باید بشود - اما نباید در این میان، موضوع انقلاب اسلامی فراموش شود.

ما، در کارگاه قصه و رمان سعی داریم به این اصل مهم، یعنی موضوع انقلاب اسلامی بپردازیم. مقدمات این کار را هم انجام داده‌ایم و در حال حاضر واحدی تشکیل شده، تحت عنوان «واحد ادبیات داستانی انقلاب اسلامی» این واحد به طور متمرکز، روی موضوع انقلاب اسلامی کار می‌کند و مسئولیت آن بر عهده جهانگیر خسروشاهی است. البته در این بخش، سعی کرده‌ایم تجربیات شکست‌خورده قبلی را تکرار نکنیم و به راههای تازه فکر کنیم. مطالعات و رایزنیها را شروع کرده‌ایم. اینکه از کجا باید کار را شروع کنیم. آنچه که مشخص است اینکه ما به زمان و حمایت‌های حوزه هنری نیاز داریم. فکر می‌کنم سرمایه‌گذاری اساسی‌ای باید در این زمینه بشود. شخصاً به عنوان مسئول کارگاه قصه و رمان بر این باورم که باید بیشترین همت این مرکز، به ادبیات انقلاب اسلامی معطوف گردد. چرا که سالها از آن غافل بوده‌ایم.

رویگرد شما در واحد ادبیات داستانی انقلاب اسلامی، کارگاه قصه و رمان، صرفاً تولید آثار داستانی با موضوع انقلاب اسلامی است یا در این زمینه، به تجدید چاپ آثار قبلی هم می‌پردازید؟

در کنار کارهای تازه تولیدشده، قطعاً کارهای خوب را تجدید چاپ می‌کنیم. حتی درباره آثاری که متعلق به ناشران دیگر است نیز سعی می‌کنیم برای تجدید چاپ این آثار از راههای قانونی وارد بشویم و ضمن توافق با ناشر و نویسنده، در این زمینه اقدام کنیم. فعلاً در این بخش، کارهای خوب را جمع‌آوری می‌کنیم تا آرشینو خوب و غنی‌ای در این حوزه داشته باشیم.

از نظر زمانی، کتابهای این واحد چه موقعی به دست مخاطبان می‌رسد؟

شاید تا ده سال طول بکشد! فکر نمی‌کنم در یکی، دو سال آینده این کتابها منتشر شود. در ضمن، هیچ عجله‌ای نداریم که این طرح، سریع به نتیجه برسد. یکی از سیاستهایی که من در کارگاه قصه و رمان دنبال می‌کنم این است که به هیچ وجه در پی آمار و ارقام نباشیم. و اینکه اعلام کنیم امسال چند کتاب منتشر کرده‌ایم. به هر حال، اولویت را به کیفیت می‌دهیم نه به کمیت آثار تولیدی.

نحوه ارتباط شما در کارگاه، با نویسندگان به چه شکل است؟

این ارتباط، معمولاً دوسویه است. البته در ارتباط‌گیری با نویسندگانی که احساس کنیم پاسخگوی نیازهای کارگاه هستند، قطعاً پیش قدم می‌شویم. از آن طرف، نویسندگانی هم هستند که کارگاه را برای انتشار آثارشان انتخاب می‌کنند و آثارشان را به کارگاه ارائه می‌دهند. به هر حال، ما از نویسندگان توانایی که قلم سالمی دارند حمایت می‌کنیم.

زمانبندی و نحوه انتشار کتاب در حوزه هنری را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

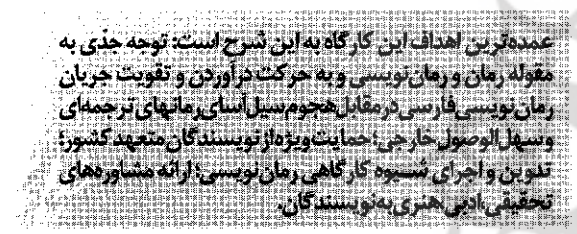
وضعیت فعلی، رضایت ما را جلب نمی‌کند. ولی حرکت‌هایی آغاز شده است. روزی در حوزه هنری، شعار این بود: «هر روز یک کتاب» این حرکت عوام‌پسندانه، به این منجر شد که کیفیت طرح به شدت پایین آمد، رابطه نویسنده و ناشر کاملاً از هم گسیخت، کارهای خوب و بد

در هم ادغام شدند و آشفته‌بازاری شد که جایگاه آثار در آن معلوم نبود. اما این سیاست، در حال حاضر در حوزه هنری حاکم نیست. ارتباط کارگاه قصه و رمان با انتشارات سوره مهر به چه شکلی است؟

تمامی سیاست‌گذاری‌ها در کارگاه قصه و رمان انجام می‌شود. این، کارگاه قصه و رمان است که تصمیم می‌گیرد چه نوع کتابهایی را بپذیرد یا نپذیرد. اما بخش سرمایه‌گذاری و چاپ را انتشارات سوره مهر انجام می‌دهد.

ناشری که روی کتابی سرمایه‌گذاری می‌کند، طبعاً در فکر فروش آن کتاب هم هست. با توجه به این مسئله، انتشارات سوره مهر در مقام سرمایه‌گذار کتابهایی که کارگاه قصه و رمان برای چاپ انتخاب می‌کند، تا چه اندازه اعمال نظر می‌کند، اینکه روی کتابهای پرفروش تأکید داشته باشد. آیا تا به حال چنین تأکیدی صورت گرفته است؟

نه، تا به حال چنین چیزی نبوده است. البته اینجا قضیه با موارد مشابه فرق می‌کند. ببینید، رسالت حوزه هنری در این زمینه چیز دیگری است. اساساً فلسفه وجودی حوزه هنری بالاتر از این حرفها



است که بخواهد به بازار کتاب و جلب مشتری فکر کند. مأموریت بزرگی بر گردن این نهاد هست و آن امر، بحث تاریخی، بحث انقلاب، بحث ارزشها و بحث فرهنگ است. چیزی که باید بحث و دغدغه اصلی حوزه هنری باشد، همین‌هاست، نه حاشیه‌ها. اینکه بخواهند ببینند این کتاب چقدر فروش می‌رود و چقدر برمی‌گردد... کار خوب، آن کاری است که هم سود اقتصادی دارد و هم ارزشهای خودش را به جامعه می‌دهد. اینکه برای ما این مسئله جدی نیست، از زاویه دیگری قابل بحث است.

البته این مسئله قابل انکار نیست که کتاب خوب، کتابی است که خواننده داشته باشد. رسیدن به این نقطه هم بخشی از اهداف ما در کارگاه قصه و رمان است، که امیدوارم به آن دست یابیم.

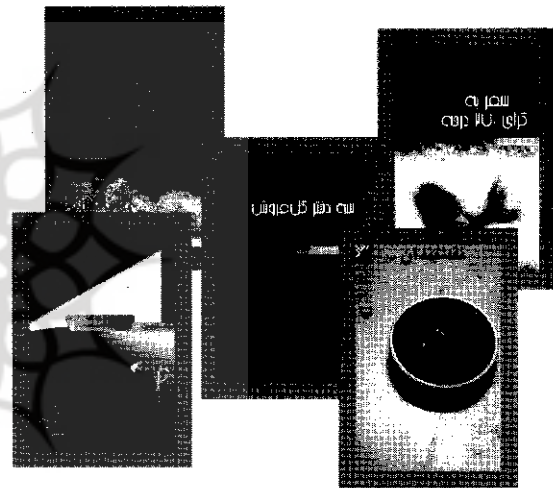
کارشناسی آثار رسیده به کارگاه به چه صورتی است؟ آیا آثار بر اساس معیارهای از پیش تعیین‌شده مورد کارشناسی قرار می‌گیرد، یا ویژگیهای تازه و خلاقیت‌های فردی نویسندگان را مورد توجه قرار می‌دهید؟

قبل از هر چیزی من این نکته را یادآوری کنم که خود متن، برای ما مهم است، فارغ از اینکه نویسنده آن چه کسی است و یا آن در چه فرمی نوشته است. اما در مورد کارشناسی آثار رسیده باید بگوییم تمامی آثار رسیده از سوی نویسندگان، در مرحله اول کارشناسی، ارزیابی می‌شود که آیا این کتاب در این حد قرار داد تا در گردونه کارشناسی و داوری قرار بگیرد یا خیر. اگر اثری متوسط و یا پایین‌تر از آن تشخیص داده شود، ضمن تقدیر از نویسنده آن، با احترام، اثر را بازمی‌گردانیم.

حال، نویسنده یا آن را بازنویسی می‌کند و یا به ناشر دیگری می‌سپارد. اما اگر اثری قابل توجه تشخیص داده شود، وارد مرحله دوم کارشناسی می‌شود. البته این نکته را هم یادآوری کنم که در مورد تمامی آثار رسیده، سعی می‌کنیم از نظرات و سلیق مختلف استفاده شود. شخصاً روی این موضوع حساسیت خاصی دارم که از دیدگاههای مختلف درباره یک کار استفاده شود. هنگامی که کارشناسی از سلیق مختلف و با دیدگاههای متفاوت روی یک کار نظر می‌دهند و در پایان به اجماع می‌رسند. کارشناسی، راضی‌کننده است و احساس می‌کنیم در حق آن اثر، اجحافی صورت نگرفته است.

تعداد کارشناسانی که روی یک اثر نظر می‌دهند معمولاً از پنج نفر کمتر نیستند. اما در موارد خاص سعی می‌کنیم تا دایره وسیع‌تر گردد و از نظرات کارشناسان بیشتری استفاده کنیم.

در مجموع، معیارهای کارشناسانی که با شما کار می‌کنند در چه محورهایی خلاصه می‌شود؟



می‌توانم بگویم، متن باید هنرمندانه، قوی و سالم باشد، به دور از افراط و تفریط در خود متن، به ادبیات محض یک اثر، تأکید شده باشد. چون یک ادبیات متین، معقول و متعادل، در طول تاریخ، همواره جواب داده است.

برای آینده کارگاه قصه و رمان چه تصمیمی دارید؟ آیا باز هم در نحوه اجرا و مدیریت آن تغییراتی انجام می‌دهید و یا سعی می‌کنید همین وضعیت کنونی را ادامه دهید؟

دغدغه اصلی‌ای که این روزها در کارگاه قصه و رمان مطرح است، موضوع واحد ادبیات داستانی انقلاب اسلامی است. دنبال مکانی هستیم تا کتابخانه تخصصی و مجهزی را با این موضوع تشکیل و ساماندهی کنیم. چون شناسایی کارهایی که تا کنون در این زمینه نوشته شده صورت گرفته است. یک گروه مطالعاتی تشکیل شده، آثاری که با موضوع انقلاب اسلامی نوشته شده را جمع‌آوری کرده‌ایم و این کار همچنان ادامه دارد ما از نویسندگان دعوت می‌کنیم در این زمینه ما را یاری کنند.

حادثه عظیمی در این مملکت به نام انقلاب اسلامی صورت گرفته که متأسفانه آثار در خور شأن این حادثه بزرگ، هنوز خلق نشده

است. در این زمینه، یکی از دغدغه‌های من این است که نسل قدیم نویسندگان را متوجه رسالت خودشان کنیم. خیلی از نویسندگانی که در حال حاضر هم می‌نویسند و در سنین پختگی قرار دارند، در متن انقلاب بزرگ شده‌اند. اینها کسانی هستند که در متن انقلاب حضور داشته‌اند. احساس می‌کنم هر نویسندگانی که در این کشور زندگی می‌کند، به نوعی بدهکار انقلاب اسلامی است و باید بدهی‌اش را به انقلاب بپردازد. هر نویسنده لازم است حداقل یک کتاب، در کارنامه خود درباره انقلاب داشته باشد. این کار مشکل و پیچیده‌ای نیست. کارگاه قصه و رمان هم در این زمینه حمایت بسیدر جدی‌ای خواهد کرد. خصوصاً به لحاظ مالی که در حال حاضر، قابل قیاس با هیچ جای دیگر نیست. ما از یک اثر خوب و درخور شأن انقلاب اسلامی، حمایت خواهیم کرد و شخصاً در این راه نهایت سعی و تلاشم را به کار خواهیم گرفت.

اگر نویسنده‌ای قصد نوشتن داستانی بر اساس انقلاب اسلامی را داشته باشد. در زمینه منابع و اطلاعات لازم، تا چه اندازه‌ای او را کمک می‌کنید؟

در این زمینه، دست ما تقریباً باز است. چون همه مراکز مرتبط با این موضوع را شناسایی کرده‌ایم. ما می‌خواهیم نویسندگانی که به این کار می‌پردازد، آسوده‌خاطر باشند. منابع و تسهیلات را در اختیارش قرار می‌دهیم. هماهنگی با مراکز مرتبط را هم انجام می‌دهیم، و اگر احساس کردیم با نویسندگانی جدی در این زمینه مواجه هستیم او را دست تنها نخواهیم گذاشت.

با توجه به اینکه جنابعالی، خود، از نویسندگان فعال در طول سالهای گذشته بوده‌اید. در این زمینه خاص، چه برنامه‌ای را در دستور کار نویسندگی خود قرار داده‌اید؟

خدا این توفیق را به من داده که اولین رمان انقلاب اسلامی به نام این حقیر رقم بخورد. «سیاه چمن»، اولین رمانی است که با موضوع انقلاب اسلامی نوشته شده و من فکر می‌کنم آدم خوش‌شانسی بوده‌ام که در این زمینه اولین قدم را برداشته‌ام. اما آن کتاب، من را راضی نمی‌کند. از چند سال پیش، رمانی را شروع کرده‌ام که درباره انقلاب اسلامی است. و تقریباً بیشتر وقت من در این روزها صرف این رمان می‌شود. این رمان هم مانند «سیاه چمن» برای گروه سنی بزرگسال است و هنوز عنوان خاصی برای آن پیدا نکردم.

با توجه به تجربه‌ای که از شما در کارهای اجرایی سراغ داریم، آینده و چشم‌انداز کارگاه قصه و رمان را چگونه می‌بینید؟

امیدوارم. در اینجا هم خوش‌بینم. فلسفه وجودی حوزه هنری حول چنین محورهایی می‌چرخد. احساس می‌کنم مأموریت اساسی حوزه هنری همین جور کارهاست. مسئولان اینجا با ما همکاری کرده‌اند. تقاضا دارم این همکاری تداوم داشته باشد. انتظار داریم حمایت‌هایشان را بیشتر کنند. ما می‌خواهیم کارهای بزرگی انجام دهیم و این به همکاری همه‌جانبه نیاز دارد. من آینده ادبیات داستانی انقلاب اسلامی را روشن می‌بینم. امیدوارم در این زمینه همه کسانی که کاری از دستشان برمی‌آید ما را کمک کنند. چون با این کار، به انقلاب اسلامی کمک کرده‌اند و آیندگان حتماً به آن افتخار خواهند کرد.